

اکثریت

نشریه همدان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۶۳ برابر با ۱۰ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۹

به مناسبت انتشار برنامه سازمان برای دفاع از زندانیان سیاسی زندانیان سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن انتشار برنامه همه جانبه ای برای دفاع از زندانیان سیاسی، همه نیروهای متمدنی و میهن پرست را به تشدید و هماهنگی مبارزه در راه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی فرا خوانده است. فراخوان کمیته مرکزی سازمان مایکارد یگر اهمیت ویژه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را در این عرصه یادآوری می نماید. همانگونه که ملاحظه می شود، زندانیان سیاسی منعکس کرده ایم، زندانیان جمهوری اسلامی. آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی است. وضعیت زندانیان سیاسی در ایران یکی از دردناکترین جنبه های عمل رژیم را به نمایش می گذارد. در زندانهای ایران دهها هزار تن از شریف ترین مردم میهنمان، رویاروی جلادانی قرار گرفته اند که به شقاوت آنها کمتر دیده شده است. در نظر زندانیان، زندانیان سیاسی در حکم گروگانهایی می باشند که از هرق و حقوقی بی بهره اند. با اعمال سبانه ترین اشکال شکنجه و ارباب بران هستند تا مقاومت و شرافت آنها را درهم بشکنند. اما با

بقیه در صفحه ۲

ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی

پرست و متمدنی همه خوانندگان خود می خواهیم با انعکاس گسترده اینگونه مطالب و تصویری که رژیم برای زنان میهنمان آفریده است مبارزه علیه ارتجاع و تاریک اندیشی را توانمندتر سازند.

بقیه در صفحه ۶

از طرف گروهی از زنان مبارزمیهنان نامه ای در مورد شرایط و وضعیت زنان در جمهوری اسلامی برای نشریه ارسال شده است. مابرا، انعکاس گسترده ای از جنایات جمهوری اسلامی در این عرصه به درج متن کامل آن می پردازیم و از همه سازمانها و نهادها و انجمنهای میهن

تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

که مرکز فرماندهی نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان است، اخیراً در منطقه شمال غربی کردستان یورش وسیعی انجام پذیرفته که متعاقب آن ادعا شد روستاها و ارتفاعات بسیاری از این منطقه به تصرف رژیم درآمده است. این عملیات به دنبال یورش گسترده ای صورت می گیرد که در جریان آن اعلام شد ۷۰ روستای خاک و

بقیه در صفحه ۲

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، با توجه به تجربیاتی که از خاک و خون کشیدن خلق کرد، به دست آورده اند، برای تصرف مناطق آزاد شده در کردستان، شیوه تهاجمات وسیع را در پیش گرفته اند. اتخاذ این شیوه بیش از هر چیز نشان دهنده ابعاد مقاومت و رزمندگان کرد در برابر ددمنشی های جمهوری اسلامی است. بنابراین اطلاع "قرارگاه حمزه"

جوانان میهنمان در جهنم جمهوری اسلامی

پرتوان و اندیشه های خلاق و پویایان، در جهت پی افکندن جامعه ای سعادتمند بکارآید. اما اکنون، با گذشت نزدیک به ۶ سال از انقلاب نه تنها تمامی چشم اندازهای نویدبخش، درسی سياهکاریهای حکام ج ۱۰ به تیرگی غلیظی گراییده، بلکه سلامت جسمی و روانی جوانان

بقیه در صفحه ۳

با پیروزی انقلاب بهمین، جوانان میهنمان به حق انتظار داشتند که افقهای روشن، مطمئن و نویی قراروی آنها گشوده شود و دیگر نشانی از محرومیت های اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی که نتیجه سیاست و ضد مردمی شاه معدوم بود، در جامعه نماند و دستشان

به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون باکان، خونهای انقلاب

به عنوان یکی از فرازهای عمده جنبش رهایی بخش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی میهنمان - باقی بماند، برای این که يك واقعیت تاریخی، از دیدگاه خلق تبیین گردد، این روز را باید روز تحمیل قانون اساسی، بر سلاطین خون آشام

بقیه در صفحه ۵

۱۴ مرداد را روز انقلاب مشروطیت - نامیده اند. از نظرمو رخن بو رژی و درباری، این روز سالگرد توشیح "قانون اساسی مشروطه، از جانب مظفرالدین شاه قاجار است، مظفر" عدل مظفر" و مراحم ملوکانه. اما اگر قرار باشد ۱۴ مرداد، همچنان شاخص انقلاب مشروطه -

به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد گذشت انگلس

"چه مشعل فروزانی از خود خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد"

راهپیمائی صلح سوند عرصه
کلزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه
ومیلتاریستی امپریالیسم

در صفحه ۴

هیروشیما و ناکازاکی، افشاگر چهره پلید امپریالیسم آمریکا

اکثریت ساکنین آن، در عرض چند لحظه به خاکستر تبدیل شدند. هنوز هم، عسوا قنب تشعشعات اتمی ناشی از این انفجار، باعث ناقص الخلقه بد دنیا آمدن کودکان و انتقال نسل به نسل انواع بیماری های ارثی در میان بازماندگان ناجعه و فرزندان آنها می گردد. دولت آمریکا هنگامی دست به این جنایت

بقیه در صفحه ۴

۳۹ سال پیش، در ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ به دستور ترومن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، برای نخستین بار در تاریخ، دو شهر ژاپنی هیروشیما و ناکازاکی مورد حمله اتمی قرار گرفتند. جهانیان با پدیده ای بنام تا بودی جمعی آشنا شدند. انفجار این دو بمب اتمی به کشتار مردم بیگناه با ابعاد کاملاً بی سابقه انجامید. دو شهر نابوده، به کلی ویران گشته

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

تهاجمات وسیع رژیم در کردستان و مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه اول
خون کشیده شده است.

در سال جاری، طبق اخباری که از کردستان می رسد، هیچ یک از تهاجمات رژیم با موفقیت توأم نبوده اند. نیروهای سرکوبگر نتوانسته اند حریم پایگاههای قبلی خود را به میزان محدودی گسترش دهند که در مقایسه با تلفاتی که داده اند، پیروزی محسوب نمی شوند. به عنوان نمونه یورش به مناطق آزاد شد سردشت که دو مین یورش گسترده یک سال اخیر رژیم در منطقه کردستان بود، منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۶۰ تن از نیروهای سرکوبگر گردید. نیروهای رژیم در جریان این حمله روستاهای "گل کلک"، "کانی زرد"، "داوداوه"، "دولتو"، "قاپوله"، "پو بانه"، "سیی داره"، "سیوه مرگ"، "ناشیو نه"، "دارمه کون"، ... را به زیر آتش سلاحهای سنگین خود قراردادند، خانه های بسیاری را ویران ساختند و چندین روستایی را که در میان آنان کودکان ده ساله نیز، به چشم می خورد به شهادت رساندند. از مناطق نزدیک به ترکیه نیز خبر می رسد که نیروهای سرکوبگر رژیم در همدستی با ارتش مزدور ترکیه، پیشمرگان را مورد تاخت و تاز و حمله خود قرار داده اند. همکاری با ارتش ترکیه برای سرکوب جنبش خلق کرد در ایران و نیز در ترکیه، بر مبنای توافق که سران دو رژیم به عمل آورده اند، هر روز دارا ابعاد بیشتری می یابد. همدستی با این برادر ناتوانی نیز نخواهد توانست در کردستان برای رژیم چاره ساز باشد و تنها برداشته بی آبرویی ها و سیاستهای جمهوری اسلامی خواهد افزود.

زندانهای سیاسی بی توجه به تفاوت های مذهبی، عقیدتی و ... در این مبارزه و نتایج آن سهیمند. همینکه در زندانها، زندانیان سیاسی درگزینش نمایند به بند، تنظیم شکل های داخلی و ... نه به وابستگی های سازمانی بلکه به شایستگی های یکدیگر نظری کنند. این وضعیت را خریدمندی زندانیان سیاسی در رژیم نازی و واقعیات نه از وضعیت زندان بطور اخص و وضعیت میهن ما بطور اعم به وجود آورده است. برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نیز همین شیوه باید در پیش گرفته شود. کوشش در غلبه بر موانع موجود، لایتنک از مبارزه ای است که در پیش گرفته ایم. هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور برای غلبه بر موانع موجود از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد و از مبارزه مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی در هر سطحی که باشد استقبال خواهند کرد. هیچ میهن پرستی نباید با گریز از مبارزه مشترک برای کسب حقوق زندانیان سیاسی شانه خالی کرده و نیروها را هرز دهد. مبارزه مشترک مابین گمان پیروز خواهد شد.

بقیه از صفحه اول

به مناسبت انتشار برنامه سازمان برای دفاع از زندانیان سیاسی

زندانهای سیاسی را از جنگال جمهوری اسلامی نجات دهیم!

با برپایی راه پیمایی ها، اعتصابات، اجتماعات تحصن ها و با مراجعه به مقامات و مجامع بین المللی و سازمانها و شخصیت های مترقی و آزاد یخواه توانسته اند نیروی عظیمی را علیه دد منشی های جمهوری اسلامی بسیج نمایند. این مبارزه که همراه با مبارزات توده ایها و دیگر نیروهای مترقی و میهن پرست پیش رفته است، تاثیر سزایی در افشا و انزوای جمهوری اسلامی برجای گذاشته است. اینک با ارائه برنامه مدون سازمان، امکانات تازه تروم شخص تری برای ادامه این مبارزه توقف ناپذیر فراهم شده است. ضمن اینکه باید مبارزه خود را تا آزادی بی قید و شرط آخرین زندانی سیاسی ایران پیگیرانه ادامه دهیم. ضروری است مبارزه حول حقوق زندانیان سیاسی نیز پیگیرانه دنبال شود. این حقوق و مطالبات که باروشنسی و صراحت و بطور همه جانبه در این برنامه بازتاب یافته است، باید در وسیع ترین سطح ممکن در خارج از کشور طرح شود. مطالبات مندرج در برنامه، مبتنی بر حقوق شناخته شده و تایید شده زندانیان سیاسی در روابط و قوانین بین المللی است و تنها جانیات پیشگانی از طراز سردمداران جمهوری اسلامی می توانند آنها را انکار نمایند. طرح وسیع و پیگیر این مطالبات، می تواند وسیع ترین نیرو را حول آن گرد آورد. این برنامه تنها مبتنی بر آمال زندانیان سیاسی و مردم ایران می باشد، بلکه با آرمانهای خیراندیشان به بشریت ترقیخواه، مجامع، محافل و شخصیت های آزاد یخواه نیز انطباق دارد. با نشر وسیع آن در خارج از کشور می توان و باید مبارزه در عرصه ملی و بین المللی را هماهنگ نمود. ضرورت این هماهنگی اهمیت و وظیفه ای را که هواداران فدایی در خارج از کشور بر عهده گرفته اند، آشکار می سازد. جستجو و بکارگیری پیگیر همه زمینه هایی که برای طرح آن و بود دارد وظیفه ای درنگ ناپذیر است، تا در ادامه مبارزات غرور آفرین هواداران سازمان، این خواسته ها بطور مشخص و مدون به گوش جهانیان برسد.

روشن است که این مبارزه، امر مشترک همه ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور می باشد. هواداران سازمان در خارج کشور به پیروی از مشی استوار و متین سازمان، از هرگونه عمل مشترک میان نیروهای مترقی و میهن پرست، در این زمینه نیز استقبال می کنند. اشتباه هو لئانی خواهد بود هرگاه راه دیگری ترجیح داده شود. رجحان تشنگی بر تشنگی تنها به گام جلادان خواهد بود. اینک در زندانها رژیم، همبستگی میان زندانیانی که شلاق مرتجعین مشترکا بر شانه هایشان فرو می آید، دم افزون است. رنج هر زندانی، رنج مشترک تمامی زندانیان مبارز است. ثمره مبارزه ای که در زندان به قیمت مرگ و زندگی پیش می رود، در انحصار دسته و گروهی از زندانیان قرار نمی گیرد. همه

و چو داین در زندانهای قرون وسطایی رژیم، مقاومت و پایداری غرور آفرین زندانیان سیاسی دامنه پیگیری و دلاوریهای رزمندگان خلق افزایش می یابد. آنها نه تنها به مطامع رزیدلان و مرتجعین تکلیف نمی کنند، بلکه بنحوی روزافزون، بر حقوق و مطالبات خود پای می فشرند. با وجود حاکمیت شکنجه و شلاق بر زندانیان ایران، زندانیان سیاسی از همه اشکال ممکن برای تحمیل حقوق خود در رژیم سود می جویند. اعتصاب زندانیان سیاسی اهواز، اعتراض جمعی در قزل حصار، با فشاری در کسب خواسته های رفاهی در اوین و ... گوشه ها و اشکالی از مبارزه ای است که در زندانهای میهن بلا کشیده ماجریان دارد.

وضعیت هو لئانک زندانیان رژیم، نفرت و انزجار عمیق مردم میهنان را علیه حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی برانگیخته است. همراهی و همدردی گسترده مردم با خانواده واقو ام شهیدان زندانیان سیاسی، جلوه ای از انزوای رژیم در این عرصه است. در جهان نیز زندانیان سیاسی ایران از وسیع ترین حمایتها برخوردار شده اند. جبهه نیرومندی از نیروهای مترقی و آزاد یخواه از مطالبات آنها پشتیبانی می کنند. پشتیبانی این جبهه نیرومند، به سهم خود فشار سنگینی بر مرتجعین حاکم بر ایران وارد آورده است. رژیم اگرچه همچنان می کوشد از تمکین به خواسته های مردم و اموال و بشریت آزاد یخواه و خیراندیش سر باز زند، اما بنحوی دم افزون از توان مقاومت کاسته می شود. برای درهم شکستن سماجت رژیم باید از همه امکانات و مقدرات سو د جست. کوشش در شناخت و بکارگیری امکانات و زمینه هایی که برای دفاع از زندانیان سیاسی وجود دارد و وظیفه همه سازمانها و کسانی است که حقوق و شرافت انسانی را پاس می دارند.

انتشار فراخوان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) ببا نگر جایگاه ویژه جنبش دفاع از زندانیان سیاسی در میان مجموعه جنبش خلق است. برنامه مدون منتشره چارچوب معین و معتبری برای پیشبرد کوشش در دفاع از این زندانیان را فراهم آورده است. در میان مجموعه مبارزاتی که در این عرصه صورت گرفته است، مبارزه ایرانیان مقیم خارج از کشور سهم ارزنده ای دارد. کمیته مرکزی سازمان خاطر نشان می سازد که:

"ایرانیان آزاد یخواه و عناصر مترقی در خارج از کشور در حال حاضر می توانند نقش بسیار مهمی در دفاع از زندانیان سیاسی ایفا کنند. آنان باید به روشی ممکن شخصیتها، احزاب و محافل مترقی جهان را از جانیاتی که در زندانهای ایران می گذرد، آگاه سازند. باید به هر شکل ممکن توجه جهانیان را نسبت به آنچه که در میهن بلا کشیده مای گذرد جلب کرد. هواداران سازمان در خارج از کشور تاکنون

روی آب ماندن سوزن علت اخراج

یکی از هموطنان ارمنی دانشجوی سال آخر پزشکی بود و در بیمارستان ایران شهر تهران کار می کرد و مرتباً هم در کلاس ایدئولوژی حاضر میشد. یکبار بعثت وجود بیمار فراوان و نبودن پزشک از رفتن به کلاس ایدئولوژی خودداری نموده و میگفت اولاً در حال حاضر بیماران به این احتیاج دارند و ثانیاً من ارمنی هستم. معلم ایدئولوژی که يك آخوند حوزة علمیه قم بوده است، میگفت فعلاً مهمترین مسئله ایدئولوژی است و در هر حال در مرحله نخست قرار دارد. بالاخره ایشان مجبور به رفتن به کلاس می شوند. معلم بعد از آوردن مثالهایی از جمله چون تمام کلاغها سیاه هستند ما نمیتوانیم بگوییم بهمین دلیل تمام سیاهها کلاغند و یا اگر چوب کبریت يك سوزن هم وزن را در آب بیاندازیم سوزن ته آب میرود ولی چوب کبریت روی آب می ایستد و اینها نشان از قدرت خداوند دارند. دکتر مزبور با او وارد بحث شده و با آوردن مثال طبق قوانین فیزیکی ثابت میکنند که از طریق علم میشود سوزن را روی آب و چوب را ته آب فرستاد. آخوند مزبور عصبانی شده و میگوید تو کافر هستی و بهمین دلیل با ما مخالفت میکنی و او را از بیمارستان و دانشگاه اخراج میکنند.

با اینکه فقط دو ماه به اتمام دوره دکترایش باقی بود، حتی از دادن يك گواهی که ثابت کند او چند سال دانشجوی پزشکی بوده خودداری کرد ماند.

نماینده آنها (ارامنه) در مجلس هم گفته است که نمیتواند این موضوع را مطرح کند چون بیم این میرود که خود شر را هم اخراج کنند.

آگاهی، کمیتها و شهرتانی، دادسراها و دادگاهها همه نشان از افزایش میزان جرایم دارد که در این میان سرقت و کلاهبرداری درصداً با اختلاف قانون قرار گرفته است. بررسی کوتاهی از آمارسین سارقین و بزهکاران نشان می دهد که اکثر آنان نوجوانان و جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ سال هستند. در حال حاضر بخشی از نسل جوان ما دچار رکود اخلاقی و فرهنگی شده.

آنچه که اکنون، درجه پنج ۰۱۰ بزرگ نوجوانان و جوانان میهنان می گذرد، تصاویر تکان دهنده ای است از اقدام و شکنجه، زندان و اختناق، تبعیض و سرکوب، خشم و نفرت، یاس و نگرانی و... و این همه چیزی نیست، جز نتیجه منطقی خیانت رهبران کوراندیش چ ۰۱۰ به اهداف والای انقلابی که دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی بر سران جان باختند، تا جامعه ای را بنیاد نهی که استقلال و آزادی، عدالت و سعادت شاخص آن باشد.

جوانان میهنان در جهنم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

میهنان، آماج تبهکارانه ترین سیاستهای ارتجاعی قرار گرفته است.

امروز، سینه پرشوردها هزارتن از دختران و پسران جوان کشورمان، تنهایی گناه عشق به میهن و انقلاب، و عدالت و آزادی با گلوله های سربین جنایتکاران از زخم شذافته است و دهها هزارتن از بهترین فرزندان میهن، در کشتارگاهها رژیم با سبعمانه ترین شکنجه های جسمی و روانی مواجهند. هزاران جوان انقلابی و مبارز، به خاطر حضور در صفوف سازمانها و احزاب مترقی و آزادخواه تحت پیگرد فاشیستی قرار دارند.

اکنون، هستی دهها هزار نوجوان و جوان ایرانی، ناجوانان در کوره های جنگ سوخته و خاکستر شده است و هزاران معلول جسمی و ذهنی، بخشی از قربانیان سیاستهای حماقت آمیز و خائنانانه رهبران چ ۰۱۰ در اصرار به ادامه این جنگ ابلهانه محسوب می شوند. اینک، عده بیشمار ازکو دکسان، نوجوانان و جوانان ایرانی، در زندانهای رژیم عراق، تحت اسارتند و در حالیکه بیمارهای کشنده ی ناشی از جراحات جنگ و شرایط دشوار زندانها جان شان را تهدید می کند، رژیم بایی اعتنایی کامل به وضعیت تافرانگیر آنها، بازهم به سیاست القابا و رهای دروغین و پوچ و بی محتوا، و سوء استفاده از احساسات بخشهایی ازکو دکان و نوجوانان ادامه می دهد.

هزاران جوان ایرانی به خاطر عدم تمکین به سیاستهای ارتجاعی رژیم، بایاس و نگرانی نسبت به سرنوشت آینده خود، افسردگی و بی رمق در کنج خانه ها خزیده اند و سرخوردگی های اجتماعی و روانی، عده ای از آنان را تد رجا راهی بیمارستانهای روانی می کند. اکنون اکثر بیمارستانهای روانی در ایران، بطور نمونه بیمارستانهای روانی حافظ و نمازی شیراز، مملو از دختران و پسران جوانی است که بی رجمانه قربانی سیاستهای قسرون وسطایی و تبهکارانه رهبران چ ۰۱۰ گشته اند. در بین بیماران روانی جوان، دختران جوانی که به جرم دختری بودن ستم مضاعفی را تحمل می کنند از تعداد بیشتری برخوردارند. خودکشی در بین جوانان، بطور دامن گستری شیوع می یابد.

تنها اخبار روزنامه های دولتی چ ۰۱۰ در این خصوص، ارقام فاجعه باری را نشان می دهد. شیوع انواع سکت هاد ریسن جوانان ایرانی بنابه اظهارات جراید، بالاترین رقم راد رجمان شامل می شود.

امروزه بخش قابل توجهی از نوجوانان و جوانان کشورمان، به منظور تامین ابتدایی ترین نیازهای اقتصادی خود، مجبور شده اند به کارهای کاذب و پستی روی آورند که شخصیت

اجتماعی آنان را خرد می کند. هزاران نوجوان و جوان دیگر، اکثریاً زیر فشارهای نیازهای مادی، با شرکت در ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم، حیثیت و شرافت انسانی خویش را پایمال می کنند و به موجوداتی پست و جانی بدل می شوند.

توصیف نتایج سیاستهای ارتجاعی حکام چ ۰۱۰ در رابطه با سایل و حقوق جوانان، براساسی مثنوی هفتاد من کاغذ می طلبد. هر روز که می گذرد، ابعاد فاجعه آفرین آن گسترش یافته و روز بروز نمودهای دردناک خود را آشکارتر می نماید. در طی چند ماه اخیر، روزی نیست که در صفات، روزنامه های چ ۰۱۰ خبری در مورد کشف و دستگیری باند های سرقت، کلاهبرداری تجاوز جنایت که اعضای آنها را عمدتاً نوجوانان و جوانان تشکیل می دهند، چاپ نشود. تنها اکتفا به يك نمونه از این خبرها، خود نشان دهنده ورطه فلاکت باری است که رژیم در فراروی بخشی از جوانان ایران که دستشان به هیچ جایی بند نیست، گشوده است. در صفحه حوادث روزنامه کیهان (۷ مرداد) می خوانیم: "باندهای نوجوانان بزهکار که تاکنون به سرقت از ۳۰ اتومبیل و منزل در تهران اعتراف کرده اند... شناسایی و متلاشی شد ۵۰۰ دستگیرشدگان، نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله هستند که برای یافتن کاره تهران آمده و سپس به دام رهبرياند می افتادند. رهبري پاندها پس از دستگیری اعتراف کرد که در اطراف میدان آزادی منتظر نوجوانان شهرستانی که برای یافتن کاره تهران می آمدند می نشست و سپس با آنان دوست می شد. این افراد سپس دریاند مشغول فعالیت می شدند و اقدام به سرقت و سایل خانگی و لوازم اتومبیلها می نمودند."

اکنون در نتیجه زمامداری مرتجعین، عده چشمگیری از نوجوانان و جوانان که باینست بیکاری و فقر و برونید، از آنجاکه برای رفیع نیازهای اقتصادی و اجتماعی، جسمی و فرهنگی خود هیچگونه مفرقانونی و مشروع نمی یابند، اقدام به اعمال خلافی می کنند که در جاد رادامه آن به دزدان و تبهکاران حرفه ای مبدل می شوند. روند گرایش نوجوانان و جوانان، به ارتکاب جرایم فوق، که در سایه سیاستهای قشری و سرکوبگرانه رژیم، تمامی درهای نظام آموزشی و سازمان تولید اجتماعی به رویشان بسته است، آنچنان رو به گسترش است که حتی هزارگانه های روزنامه های دولتی چ ۰۱۰ نیز، تحت فشار واقعیتها موجود، مجبوری شوند، رگه های از وضعیت حاکم درجه پنج ۰۱۰ را جسته و گریخته منعکس سازند. روزنامه کیهان (۲۴ تیر)، طی گزارشی در مورد علل افزایش بزهکاری در جامعه می نویسد: "امروزه میزان جرایم و افزایش آنها در سطح جامعه از اهمیت ویژه و گستردگی خاصی برخوردار شده است. گشت و گذار کوتهای در کلاترپها و ادار

هیروشیما و ناگازاکی، افشاگر چهرهٔ پلید امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه اول

پلید زد که جنگ دوم جهانی را به زانو درآوردن آلمان فاشیستی سه ماه پیش از آن تاریخ، و در آستانه شکست قرار گرفتن میلیتاریسم ژاپن، عملاً به پایان خود رسیده بود. بنا بر این، فسر و افکنندگان بمب اتمی بر هیروشیما و ناگازاکی را به هیچ عنوان نمیتوان با این ادعا که گویا آمریکا

می خواسته از این طریق ژاپن را به تسلیم واداشته و به جنگ خاتمه دهد، توجیه کرد. واشنگتن از دست زدن به این جنایت، اهداف کاملاً متفاوتی را دنبال می کرد.

چهره جهان در اوت ۱۹۴۵ چگونه بود؟ از يك سو، فداکارهای عظیم و بی شماری خلقهای اتحاد شوروی و دلاوریهای ارتش سرخ، فاشیسم متجاوز هیتلری را شکست داده و به مردم ۸ کشور اروپای شرقی امکان داده بود. با سرنگون کردن دیکتاتورهای فاشیستی و برقراری دموکراسی توده ای، مسیر سوسیالیسم را برگزینند. مواضع امپریالیسم در اروپا با حذف لاف موقتی امپریالیسم آلمان از صحنه و تضعیف بریتانیا و فرانسه، به شدت آسیب دیده بود. تناسب قوا در عرصه جهانی بسود سوسیالیسم، بسود دموکراسی و پیشرفت تغییر کرد. اما از سوی دیگر، در درون اردوی امپریالیستی، سرکرده قدر قدرت و تازه نفسی پیدا شد. امپریالیسم آمریکا، در میان کشورهای سرمایه داری برتری را بطور قطعی از آن خود ساخت. اگر پیش از آن، بار اصلی وظیفه مقابله با "خطر سرخ" به دوش امپریالیسم آلمان گذاشته شده بود، پس از جنگ، واشنگتن علم مبارزه با کمونیسم را در دست گرفت، مبارزه ای که بعلمت افزایش نفوذ و اعتبار سیاسی و قدرت نظامی اتحاد شوروی بسیار دشوار تر از دوران قبل از جنگ بود.

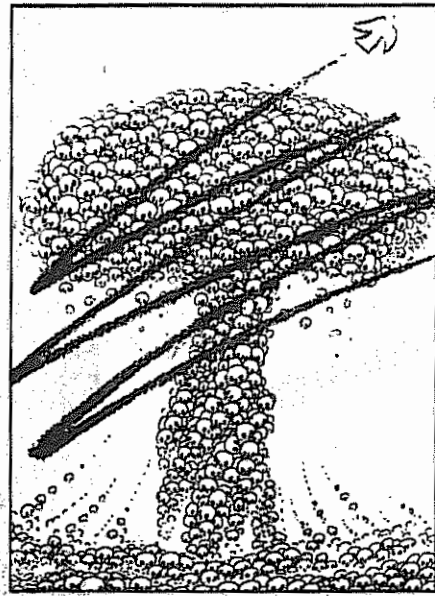
در سالهای آخر جنگ، جدیدترین کشفیات علم فیزیک به دانشمندان که تحقیقات نظامی آمریکا را انجام می دادند، امکان داد از طریق شکست کنترل نشده و زنجیر وار هسته اتم،

سلاح مرکب از اختراع کنند که قدرت تخریبی آن، ده ها و صدها برابر سلاحهایی بود که بشر تا آن تاریخ در اختیار داشت. همزمانی به نتیجه رسیدن این تحقیقات با شرایط جهانی ایجاد شده پس از پایان جنگ، فاجعه آفرید. طراحان استراتژی سیاسی و نظامی آمریکا، هم می خواستند هر چه زودتر کارکرد سلاح جدید را بیازمایند و هم، از این طریق، به يك قدرت نمایی بزرگ ابعاد نظامی با هدف مرعوب ساختن خلقها و نیروهای چپه جهانی ضد امپریالیستی دست زنند. دولت آمریکا می خواست با نابودی دوشهر ژاپنی، به جهانیان نشان دهد که

وسیلای تازه برای تحمیل اراده خود به ملل دیگر در اختیار دارد.

اما هیچ چیز نتوانست نیروهای صلح و ترقی را از پیشروی شتابندای که آغاز کرده بودند، باز دارد. مردم اتحاد شوروی، با همان حد از فداکاری و از خود گذشتگی که پیروزی نظامی در جنگ را امکان پذیر ساخته بود، به بازسازی مناطق ویران شده میهن خود همت گماشتند. در ظرف مدت کوتاهی، زخم های وارده به سر اقتصاد کشور شوراها التیام یافت. دموکراسی های نوپای اروپا، تحولات سوسیالیستی را با موفقیت به پیش بردند. نظام فرتوت مستعمراتی به سرعت فروپاشید. کشورهای نواستقلال، به نیروی عظیمی در جبهه نبرد با امپریالیسم جهانی تبدیل شدند. در این میان، امپریالیسم آمریکا که در ۱۹۴۵ از سلاح اتمی استفاده کرده بود، چندین بار، در کره و ویتنام، به تهدید جدی استفاده مجدد از این سلاح روی آورد. اما، چهره جهان دیگرگون شده بود. انحصار اتمی آمریکا توسط اتحاد شوروی، حفظ صلح بر مبنای موازنه قوا را امکان پذیر ساخت. خربه پانزده اتمی در برابر خلقهای "جهان سوم" کارایی خود را از دست داد، و در نهایت، اهدافی که امپریالیسم آمریکا از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی فرا روی خود قرار داده بود، به شکست مواجهه شد.

آنچه از فاجعه هیروشیما و ناگازاکی برای آمریکا باقی ماند، افشای چهره پلید مدعیان "تعدن" و "آزادی"، و نفرت و انزجار جهانیان



از میلیتاریستهای پنتاگون است. امروز، بزرگداشت سالگرد نخستین بمباران اتمی، برای بشریت بیش از پیش به مفهوم تجدید عهد در مبارزه علیه آن نیروی اهریمنی است که در اوت ۱۹۴۵ فاجعه آفرید. همان نیرویی که هنوز، با دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی، نابودی بخش عظیمی از ثروت روی کره زمین را به بشریت تحمیل میکند، با برافروختن و توسعه آتش جنگ در این و آن گوشه جهان، هزاران انسان را به خاک و خون می کشد، و با اتکا به قدرت نظامی، می کوشد چرخ تاریخ را از حرکت باز دارد. حفظ صلح، تنها با مبارزه علیه این نیرو، با دست زدن به سر دستان امپریالیستهای آمریکایی، امکان پذیر است و از سوی دیگر، لازمه مبارزه با این جهانخواران شرکت هرچه فعالتر در جنبش جهانی صلح، تلاش برای خاموش کردن کانونهای بحران و قطع مسابقه تسلیحاتی است.

راهپیمائی صلح سوئد عرصه کارزار علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی

شرکت کنندگان در این گردهمایی همچنین به طرق مختلف همبستگی خود را با نیروهای صلح طلب جهان و کلیه جنبشهای رهایی بخش کشورهای تحت سلطه اعلام نمودند. لازم به تذکر است که نمایندگان جنبش صلح از کشورهای مختلف جهان در این گردهمایی حضور داشتند که با یکدیگر به بحث و مشاوره پرداختند.

غرفه مشترک فدائیان خلق ایران (اکثريت) سوئد و سازمان حزب توده ایران در سوئد نیز مورد توجه شدید شرکت کنندگان قرار گرفت و بازدید کنندگان از این غرفه با امضا نمودن متن های اعتراضی، تنفر و انزجار خود را از شکنجه و کشتار نیروهای صلح دوست و ترقیخواه کشورمان ابراز نمودند.

بد نبال برگزاری کرد -
همایی صلح در شهر "سیلکه بورگ"

دائمارک در تابستان گذشته، امسال نیز گردهمایی مشابهی با شرکت هزاران نفر از مردم صلح دوست و ترقیخواه اسکاندیناوی و سایر کشورهای اروپایی در شهر "ستروس" برگزار گردید.

بسیاری از شرکت کنندگان مسافتی بسیار طولانی را بوسیله دوچرخه پیمودند. این گردهمایی که از تاریخ ۱۲ الی ۱۵ جولای بطول انجامید، عرصه کارزاری بود علیه سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا.

به مناسبت ۱۴ مرداد روز اعلام مشروطیت

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید

نیست غیر از خون پاکان، خونهای انقلاب

(فرخی بزدی)

گویشهایشان فرو کرده اند . ننگ و نفرتی بیش از این ، نصیب رهبران جمهوری اسلامی باد که آزادی کشی و بی قانونی را به جایی رسانده اند که اینک پس مانده های دربارنیز برای فریب مردم از آزادی و قانون ، دم می زنند !

جمهوری اسلامی نیز ، انقلاب مشروطه را شکست خورده می داند . ایدئولوگهای این رژیم ، بعد از به قدرت رسیدن ، لاشه متعفن شیخ فضل الله نوری را از زیر خاک بیرون کشیدند و او را پیشتاز و شهید جنبش اسلامی ، اعلام نمودند . شیخ فضل الله معدوم کسی است که هم صدا با محمد علی شاه قاجار ، انقلابیون مشروطه را " کافر " ، مالشان را " مباح " و خودشان را " هدر " دانست .

دو قطب ارتجاع ، دو انقلاب بزرگ دوران معاصر میهن را بین خود ، تقسیم کرده اند . سلطنت طلبان مشروطه را از آن خود می دانند و اسلام پناهان ، خود را مالک الرقاب جمهوری می خوانند . مشروطه چپ های امروز از آن جهت که انقلاب بهمن ، بساط سلطنت ننگیشان را برچید ،

به این انقلاب کینه می ورزند و متشرعین حاکم ، از آن رو که ۷۸ سال پیش ، بیخ مشروعه شان نگرفت و سر شیخ فضل الله بالای دار رفت ، از انقلاب مشروطیت تنفر دارند . امانه قبالة انقلاب اول ، به نام قطب مغلوب ارتجاع است و نه انقلاب دوم ، ارشاد پدیری قطب غالب . این هر دو انقلاب ، از آن خلقی است که همین چندی پیش ، به درباری که حاکمیتش ، مظهر کمال شکست انقلاب مشروطه بود ، نازشست نشان داد و فردا با سیلی تاریخ ، خائنین به انقلاب بهمن را ، گوشمالی خواهد کرد .

کامل انقلاب را جشن گرفتند . آیات عظام تیزر به عنوان یکی از ارکان بلو کارتجاع برای حفظ کبان شرع انور ، این تاج شاهی را متبرک ساختند . بابه قدرت رسیدن دو دمان سرسپرده و خون آشام پهلوی ، ایران بیش از نیم قرن عرصه

ددمشی های یکی از مخوفترین دیکتاتوریه های تاریخ معاصر گشت . دردوران سلطه پهلوی نیز متواریات ملوکانه ، برتر از همه چیز گشت و قانون اساسی مشروطه با همه عقب ماندگیهایش از همان روز اول حکم ورق پاره ای را پیدا نکرد . و حال بازی تاریخ را بگیرد که پس مانده های

بساط دیکتاتوری پیشین ، دم از انقلاب مشروطیت و قانون اساسی مشروطه می زنند ، در ۱۴ مرداد به یاد ستارخان و باقرخان جامهایشان را بلند می کنند و در مدح ، آزادیخواهی و پایبندی به قانون ، سخن سمری دهند . این خود یکی از دستاوردهای انقلاب است ! آخر مگر نه این که خدا انقلاب نیز گاه الزامات انقلاب را منعکس می سازد ؟ حتی خدا انقلابیون سلطنت طلب نیز پی برده اند که مردم ایران ، تجربه یک انقلاب پر شکوه را پشت سر نهاده اند و مزه بهار آزادی را چشیده اند . حتی آنها نیز مثل پدر تاجداران مدفو نشان ، صدای انقلاب را شنیده اند و این در حالی است که میوه چینان قیام ، پنبه در

و دست نشاند ، بدانیم .

انقلاب مشروطیت ، در سال ۱۲۸۵ و این سال ، در روز ۱۴ مرداد ، خلاصه نمی شود . انقلاب مشروطیت یک دوره تاریخی را در بر می گیرد که پاره ای از برآمدهای آن ، بسی از مرز مشروطه خواهی فراتر می روند . شکست انقلاب در سال ۱۲۸۹ نیز نقطه پایان ایمن دوره توفانی نیست . تاریخ روئی پیوسته است و همین پیوستگی است که جنبش جنگل ، جنبش خیابانی در تبریز و جنبش پسیان در خراسان را در تداوم آن حرکتی قرار می دهد که از ۱۲۸۴ آغاز شد . ضد انقلاب می تواند ، یک شبه غلبه کند ، ولی انقلاب ، یک شبه از یاد نمی افتد . انقلاب اکبر ، حریق جنبش را در ایران - کوه امپریالیسم و ارتجاع ، نتوانسته بود دند به طور کامل خفه اش سازند . از نو پرفروغ ساخت شعله و رنگستن مجدد مشعل انقلاب ، امپریالیسم و طبقات ارتجاعی را به وحشت افکند . در بار قاجار دیر نمی توانست مظهر بلوک ارتجاع و آن مشت آهنینی باشد که برفق جنبش کو شده شود . جنبش قوی بود و امپریالیسم و ارتجاع می دانستند که باید با قدرت بیشتری در مقابل آن بایستند . اینجا بود که زیر شان رضاخان قلد را گرفتند و باکو دتای ۱۲۹۹ و متعاقب آن نهادن تاج بر سر این قداره کش مزدور و سرکوب

چند خبر در رابطه با وضعیت زنان در ج ۱۰



بقیه از صفحه ۱۲

سرگردان باقی ماندند . دانشجویان ساکن

شهری و کرج را از خوابگاه بیرون کردند و جای آنها را به دانشجویان شهرستانهای دیگر دادند . در حالیکه سیاست سابق رژیم بر این بود که برای کنترل دانشجویان ، همه آنها در خوابگاهها ساکن داده شوند ، در مسوا ردی مثل مرکز تربیت معلم دختران ، حتی دانشجویان تهرانی نیز ملزم به اقامت در خوابگاه بودند . بنابر گزارش مطبوعات رژیم در سال گذشته ۲۰۰۰ نفر دانشجوی به دلیل نیافتن مسکن ترك تحصیل موقت کردند .

در چنین شرایطی در سال تحصیلی جدید هزاران دانشجوی شهرستانی دیگر که از سد تفتیش عقاید گذشته اند و ارد تهرانی می شوند . برای اغلب آنها پرداخت رقم هنگفت اجاره بهای یک اتاق در تهران ، غیر ممکن است . رژیم نیز خود را ملزم به تامین مسکن آنها نمی داند .

● در شیراز زنی را که روسری او کمی بالا رفته بود ، متوقف کرده و مجبورش می کنند روسری دیگری را که مامورین همراه داشتند ، بپوشد . پشت این روسری نوشته بود " من یک فاحشه هستم " .

● در قلم شهر روز ۱۷ فرو ردین زنی را به جرم زناسنگسار می کنند . این عمل خشم اهالی را برانگیخته است .

● در ماه رمضان در قلهک ماشین گشت دوم را همراه باد و زن به اتهام روزه خواری دستگیر می کنند در همانجا کنارترا خیابان تخت و شلاق را از ماشین بیرون کشیده مرد ها را شلاق می زنند . تنها مقاومت مردم باعث می شود از شلاق زدن زنان صرف نظر کنند .

● در اوین سربک زن را که بخاطری حجابی زندانی بود داخل سطلی پر از سوک می کنند زن مزبور را اثر این عمل سخته می کند .

● در اردیبهشت ماه در افسریه تهران شخصی نامزد عقد شده خود را به کوه برده و با چاقو بطنزنجیبی به قتل می رساند . پس از مدام که این شخص آزاد می شود . دادگاه در پاسخ به اعتراض پدر دختر می گوید قصاص خون زن برابر یک مرد است . اگر می خواهید قاتل دخترتان اعدام شود باید خونهای یک زن دیگر را بپردازید .

● زنی که در تهران ، بخاطر " بی حجابی " به مدت سه روز در اوین زندانی شده بود می گفت کسان دیگری نیز به همین اتهام در زندان به سر می بردند . یک گروه کامل را از یک جشن عروسی بیرون کشیده و زندانی کرده بودند . عروس نیز همراه آنان زندانی شده بود .

بقیه از صفحه اول

ابتدائی ترین حقوق انسانی زنان پایمال تفکرات ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی نشریه انقلابی اکثریت!

جنايات و فجایع بیشمارى که امروزه در کشور در بند ماسبت به زنان صورت می گیرد ما را بر آن داشت که این نامه را برای نشریه "اکثريت" بفرستیم، تا نظرم میهنان خارج از کشور و سازمانهای مترقی و افکارعمو می جهان را بر بار دیگر به این مساله جلب کنیم.

ما زنان ایران در شرایط بسیار سختی زندگی می کنیم و علیرغم فشارها و محدودیتهاى بیشمار به مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه می دهیم.

ما از نزدیک شاهد پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان هستیم. محدودیت های بیشمار حتی در مورد رنگ لباس و رشته تحصیلی زنان به مسایلی عادی تبدیل شده اند.

زنان میهن ما هم اکنون در زیر شدیدترین سرکوبها و توهین ها بسر می برند، دستگاهاى تبلیغاتی جمهوری اسلامی ازادی و تلو یزیون گرفته تا انواع و اقسام روزنامه ها و مجلات، کو چکترین دریخی در این مورد ندارند. تمام تبلیغات در خدمت محروم کردن زنان از فعالیت های اجتماعی و بی ارزش نمودن مقام زن است. از همان آغاز هدفی که جمهوری اسلامی در رابطه با زنان پیش روی خود گذاشت و الگویی که برای زن انتخاب کرد زن آشپزخانه بود، زنی که در هیچ فعالیت اجتماعی و سیاسی شرکت نکند، به قول معروف آفتاب مهتاب رنگ او را نبیند و فقط جمهوری اسلامی بتواند به اراده خود در راهپیمایی ها و انتخابات و ... برای نمایش تبلیغاتی از آنها استفاده کند، بدون اینکه کو چکترین دخالتی در سرنوشت خود نداشته باشند. از همان ابتدا جمهوری اسلامی دریخی قانونیت بخشیدن به این هدف، طر حجابی به مجلس رایب داده و مصوبات مجلس نیز بنویسه خود به این امور پاری رساند.

طرح کار نیمه و قتل با عنوان که بر اساس آن ساعت کار زنان و حقوق آنها نصف می شود، همین هدف را تعقیب می کند. سیاست جمهوری اسلامی در جهت محدود کردن و بستن مهند کودک کارخانه ها نیز در رابطه با همین هدف است. بطور مثال در کارخانه پارس الکتریک زنان کارگر فقط حق گذاشتن یک فرزند به مهد کودک کارخانه را دارند این مساله باعث شده که یک جا ۲۶ زن به دلیل داشتن دو فرزند در مهد کودک از کار اخراج شدند.

همانطور که می دانیم مبارزه زنان برای رهایی ازستم مضاعف با رژیم شاه و نقش زنان در به ثمر رساندن انقلاب ۲۲ بهمن چشمگیر بود. آنها در هر کجا که عرصه فعالیت و جود داشت با شور و شوق شرکت می کردند و لی هیچگاه جمهوری

اسلامی نگذاشت که زنان در جایگاه واقعی خود قرار گیرند. اغلب زنان در شکل گرفتن شوراهاى محل، تعاونی های محلی و تشکل های محل کار فعال بودند، اما در موقع انتخابات، همیشه مواعیدى در راه انتخاب آنها وجود می آمد و جز در موارد معدود از انتخاب زنان بسانحار، گوناگون جلو گیری می شد.

از طرف دیگر، زنانی که تقاضای اشتغال در مراکز کار می کنند به آنها گفته می شود که اگر همسران آنها سرکار هستند نمی توانند خودشان هم مشغول کار شوند. کارگزیی کارخانه کفش ملی بطور کتبی اعلام کرده که زنانی که شغلشان شاغل هستند، استخدام نخواهند شد. راه رشد و ارتقاء زنان در کارخانهجات بسیار محدود است. البته به علت ارزان بودن نیروی کار زنان، استخدام آنها در کارهای فوق العاده ساده با دستمزد کم آنها زمانى که مجرد باشند یا بچه نداشته باشند، صورت می گیرد. اما هیچگونه امکانی برای بالا بردن آموزش حرفه ای آنها، و یا تحصیل و غیره فراهم نمی شود. تازه محدودیت های جدی نیز ایجاد می گردد. زنان هیچگونه تامين شغلی ندارند. هر روز با خطر اخراج و خانه نشین شدن روبهرو هستند. در این پنج ساله در صد زیادی از زنان کشور مابه بهانه ها مختلف از کار برکنار شده اند. حق کار کردن از زنان سلب شده و هر کس را که کو چکترین تفاوت چه در فکر و چه در ظاهر یاد او دسته حاکم داشته باشد به بهانه های گوناگون از کار اخراج می کنند. جمهوری اسلامی سعی می کند به طرق مختلف در محیط کار زنان را مورد آزار و اذیت قرار دهد، آنها را از کار زده کند و خانه نشین نماید. رعایت با مصطلاح حجاب یکی از دلایل اخراج است. زنان باردار از ترس اخراج، از مرخصی زایمان استفاده نمی کنند و الا بعنوان کارمند ما را از کار برکنار می شوند. نمونه های زیادی شاهدیم که زنان معلم نه تنها از مرخصی قبل از زایمان استفاده نکرده اند، بلکه مجبور شده اند ده روز پس از زایمان به سرکار برگردند. انواع بیماریها و ناراحتی ها را تحمل نمایند و طفل خود را که از شیر مادر تغذیه می کند ساعتها تنها بگذارند.

جمهوری اسلامی تحصیل زنان را در رشته کشاورزی ممنوع اعلام کرد. در حالیکه زنان روستایی که نیمی از زنان کشور را تشکیل می دهند به کار طاقت فرسا در مزارع مشغولند زنان مابه دلایل موهم از تحصیل در رشته های فنی و مهندسی، قضایی و بسیاری از رشته های هنری و ورزشی بالکل محرومند و سابقات ورزشی زنان در سطح کشور تعطیل شده است. نابرابری زن و مرد در جمهوری اسلامی

رسمیت یافته و قانونی شده است. طبق ماده ۵ قانون قصاص، اگر مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد، تنها در صورتی قصاص می شود که ولی زن، نصف دیه (خونبها) يك "انسان کامل" را به خانواده قاتل بپردازد. یا طبق ماده ۳۳ قانون قصاص "قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود." بنابراین اگر مردی وارد دبیرستان دخترانه شود، جلوی چشم هزار دختر دانش آموز معلم زن، دخترى را سر ببرد، اگر قاتل مایل به اقرار نباشد، هرگز این قتل ثابت نخواهد شد. آنچه هزاران زن به چشم خود دیده اند، برای ثابت شدن قتل هیچگونه اثری ندارد. همچنین طلاق زن توسط مرد بدون توافق و حتی در غیاب زن قابل اجراست. حقوق مادری در شرایط طلاق بسیار پس از مرگ شوهر از زن بطور قانونی سلب می شود. بعد از مرگ شوهر حق نگهداری اموال و فرزندان به خانواده شوهر در درجه اول و اگر در شده است و زنان نه تنها ابتدائی ترین حق خود یعنی حقوق مادری و تسلط بر اموال خانواده خود را از دست می دهند، بلکه بر اساس این قانون زنان و دیوانگان حق حفاظت از فرزندان و اموال را ندارند. بدین ترتیب، قانون، زنان و دیوانگان را در یک ردیف قرار داده است.

ازدواج متعدد مردان بدون اجازه زنان رسماً و قانوناً نامجاز اسلامی پیدا کرده است. بدین ترتیب هر روز تعداد کثیری از خانواده ها از هم پاشیده می شود. دادگستری تهران همه روزه محل تجمع انبوهی از زنان جهت حل مسائل حقوقی است، که این قوانین کذایی ایجاد کرده اند. زنان خشمگین با چهره های درهم به این قوانین غیر انسانی و خانمان برانداز اعتراض می کنند.

از سوی دیگر تحمیل حجاب به زنان مراحل قانونی خود را طی کرده است. و زنان موظف به پوشیدن البسه ای در خیابان و مراکز کار شدند که رنگ و مدل آنرا مسئولین مراکز کارت تعیین می کنند و فقط دو چشم زن باید بیرون باشد. انواع گشتهای رسمی و غیر رسمی پشتوانه اجرای این قوانین قرون وسطایی است. زنانی که مطابق این خواست آنها عمل نکنند چه مسلمان باشند و یا اقلیت مذهبی، گشتهای رسمی آنها را شکاری کنند و با انواع و اقسام فحش و ناسزا و زندان و شلاق و دراهز عا مصطلاح مجازات می شوند، یا از طریق گشتهای مخفی و غیر رسمی به روی صورت آنها امیب می پاشند، چاقو یا سنگ می زنند و زنیکه رو سریش در تاکسی کمی عقب رفته باشد، مو تو رهای گشت مخفی یا سنگ هم شیشه تاکسی را می شکنند و هم سر آن خانم را.

جمهوری اسلامی زنان منحرف را که محصول جوامع طبقاتی هستند به شیوه قرون وسطایی سنگساری کند و هیچ فرصت و امکانی برای بازآموزی و تجدید تربیت آنها فراهم نمی کند. از سوی دیگر حاکمان جمهوری اسلامی عاصی

برخوردی که ما و ماوران جمهوری اسلامی با خانواده‌های پشت درزندانهایی کنند، روی فاشیستی ترین رژیم‌ها و زندانبانان رادطبول تاریخ سفید کرده است. زناتی که با هزارامید و آرزو برای پیدا کردن فرزندان و همسرانشان به پشت درزندانهایی روند، باتو هین و آزار ماورین رو برو می‌شوند. نمونه‌های زیادی داریم که این مادران رنج دیده پس از برگشتن از زندان دچار سکت قلبی شده و جان عزیزشان را از دست داده‌اند و داغ ننگ ابدی بر پیشانی جمهوری اسلامی زده‌اند. مادری که يك عمر فرزندان شایسته تربیت کرده و تحویل جامعه داده می‌بایست با چشم خود شاهد ازهم‌سپاشیدن زندگی عزیزانش باشد. امروزه رایج‌ترین کفر خانواده‌ای است که دچار چنین وضعی نباشد. برای يك مادر هیچ دردی و هیچ لحظه‌ای دردناک‌تر از این نیست که خود مجبور باشد خانه و زندگی فرزندش را که یاد فرزندان بسر می‌برد یا اعدام شده یا در جنگ کشته شده و یا اسیر است جمع و جور کند و برای همیشه از او قطع امید کند. امروز این وضع مبتلا به تمام مادران و مردم کشور است.

در مقابل این فجایع زنان ما آرام نیستند و به اشکال مختلف مخالفت خود را با این وضع نشان می‌دهند. آمار زندانیان، اعدامیان و کشته شدگان به دست رژیم و اعتراض جمعی ولی پراکنده زنان مابهرترین گواه برای امر است. این شرایط دشوار نه تنها خللی در ادامه مبارزه مایجاد نمی‌کند، بلکه ما ستوارتر و راسختر از گذشته به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

ما خواهان پایان دادن به شکنجه

و آزادی زندانیان سیاسی بخصوص زنان و مادران درین هستیم!

ما خواهان آنیم که اهانتها و بی‌حرمتیها نسبت به مقام و موقعیت زنان در میهنان قطع شود، حقوق فردی و اجتماعی و انسانی زنان به رسمیت شناخته شود و قوانین ارتجاعی درباره زنان لغو گردد!

ما بانو شستن این نامه بازگو کردن گوشه کوچکی از فجایعی که در میهنان می‌گذرد می‌خواهیم از هان مردم مرفی جهان رانست به این جنایات قرون وسطایی و روشن سازیم. ما از همه سازمانهای انقلابی و مرفی و هم فعالین سیاسی خارج از کشور می‌خواهیم تا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد زنان را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی مردم ترقیخواه را برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران بسیج نمایند.

با امید و آرزوی صلح و خوشبختی برای همه مردم

این وضع بر سر قبر شهدای جنگ مو قع خاکسپاری، پاسداران و ماوران رژیم برای وادار کردن، خانواده‌های شعار جنگ جنگ تا پیروزی حضور فعال دارند و مراقب هستند.

با ایجاد جو خفقان و فشار، وحرو میست همه مردم میهن ما از حقوق فردی و اجتماعی، و به همراه گسترش مبارزه مردم علیه ارتجاع مبارزات زنان نیز وسعت بیشتری گرفت. در نتیجه زندانیهای ایران پرشد از زنان قهرمانی که با افتخار برای رهایی کامل میهنشان از جنگال ارتجاع و امپریالیسم می‌جنگند. تعداد زندانیان زن در جمهوری اسلامی قابل مقایسه با هیچ رژیم دیگری نیست. در زندانهای جمهوری اسلامی از دختران ۱۲-۱۴ ساله گرفته تا مادران ۷۰ ساله زندانی هستند. تعداد زیادی از زنان مبارز توده‌ای، فدایی و مجاهد که سالهای زیادی از عمر خود را در زندانهای محمدرضا شاهی گذارنده بودند و با انقلاب ۲۲ بهمن به دست مردم قهرمان میهنمان از زندانها آزاد شدند مجدداً دستگیر و زندانی شدند و اکنون تحت شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند: از شلاق زدن، ناخن کشیدن، سو زدن بدن تا تجاوز و سوءاستفاده از عواطف مادری آنها. در خیمن فرزندان خردسال را در مقابل چشم مادران برای بزانو در آوردن آنها شکنجه می‌دهند. تعداد زیادی از زنان باردار در زندان هستند که تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفته‌اند. گاهی مادران جوان را تا وضع حمل نگه می‌دارند و پس از وضع حمل در دست در لحظه‌ای که بیشترین احساس مادری برانگیخته شده و لذت بخش‌ترین لحظات زندگی يك مادر فرا می‌رسد به جوخه‌های اعدام می‌سپردند. تاکنون صد هازن زندانی را به جوخه‌های اعدام سپرده‌اند.

تعداد زیادی از بچه‌های تولد یافته در زندان تا سن ۴-۵ سالگی در زندان در شرایط بهداشتی بسیار بد نگهداشته می‌شوند. این کودکان معصوم در معرض امراض و ناگوار قرار دارند و هر لحظه مرگ آنها را تهدید می‌کند. گاه برای شکنجه مادر رجیره شیر آنها را قطع می‌کنند و کودکان در گرسنگی کامل بسر می‌برند. در واقع این کودکان معصوم و سیله‌ای برای شکنجه مادران در دست دخیمنانند.

تجاوز به دختران جوان قبل از اعدام و فرستادن نامه برای خانواده‌های آنها و دادن رخت و لباس آنها همراه با خبر اعدام دخترشان به همراه يك جعبه شیرینی و مقداری پول بعنوان مهریه بیانگوار و ذالت حیوانی است و بالاترین ضربه روحی را برای خانواده ایجاد می‌کند. چه بسیار بودند افرادی گناهی که دستگیر شده‌اند و بعد از چند ساعت حتی بدون مدافعه نمایشی اعدام شده‌اند و خانواده آنها برای همیشه داغدار و عزادار شده‌اند.

(ازدواج مو قت مرد با زن از چند ساعت تا چند روز) را جایزه می‌شمارند و در مراسم قضاوتی دربی قانونیت بخشیدن به آن هستند. آنها به تبلیغ این امر در مدارس دخترانه مشغولند و بدین طریق خود فحشا را رسمیت می‌بخشند. مردم با فرهنگ میهن ما با این اقدامات قرون وسطایی و کثیف شدیداً مخالفند و به آن اعتراض می‌کنند.

مادران پنج ساله شاهد ازهم‌سپاشیدن بسیاری از خانواده‌های ما و دیم. جمهوری اسلامی تلاش می‌کند که مادران را زستون و محسور خانواده بودن محروم کند. بجای صفا و صمیمیت و اعتماد هر چه بیشتر جو جاسوسی و عدم تفاهم را بر محیط خانه تحمیل کند. بچه‌ها از همسان ستین دبستانی یا حتی قبل از آن مجبورند یا دروغ بگویند و یا جاسوس خانواده باشند. بابه نمایش گذاشتن نمایشهای تلویزیونی از مادران شهدا و مادران باصطلاح مو من که مورد شستشوی مغزی قرار گرفته‌اند، مثل مادر طریقی الاسلام (۱) سعی می‌کنند محبت و صمیمیت مادری را بکنند. الگوی زن مسلمان از دید آنها يك زن بی احساس، سنگسردل و قبی القلب است که کلیه عواطف و احساسات مادری و همسریش را مدفون کرده و در عده‌های مو هوم که از نام تا شام از طریق رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی تکرار می‌شود بجز کشته شدن عزیزانش هیچ آرزویی ندارد. البته تاثیر چنین تبلیغاتی بر اکثر زنان میهن ما بجز کینه و نفرت هر چه بیشتر بر گردانندگان آن چیز دیگری نیست.

در رسانه‌های گروهی تبلیغات و سعی می‌کنند که مادران ما برای فرستادن فرزندان به جبهه‌های جنگ و هدیه دادن خنثیون عزیزانشان سرو دست می‌شکنند. اما واقعیت این است که دردناکترین صحنه‌ها برای مادران، فرستادن اجباری عزیزانشان به جبهه برای ادامه این جنگ کثیف است. هر مادری تا آنجا که در قوه دارد سعی می‌کند مانع از رفتن فرزندش به جبهه ها گردد. امروز بیشتر جوانان ما با خاطر اینک نمی‌خواهند به جبهه این جنگ بی معنا و خانمان برانداز روند، متواری هستند و مادران با چنگ و دندان آنها را حفظ می‌کنند. علیرغم

(۱) تلویزیون جمهوری اسلامی صحنه‌ای را به نمایش گذارد که ملاقات این زن با فرزند محکوم به اعدام طریقی الاسلام را ساعتی قبل از اعدام نشان می‌داد. فرزند که به جرم سیاسی به اعدام محکوم شده بود مادرش را با احساس مو رده خطاب قرار داده و از او تقاضای بخشش می‌کرد. ولی مادر رمزور با خشم به فرزندش فحاشی می‌نمود و اظهار می‌داشت که خود حاضر است فرزندش را اعدام کند. این زن بعنوان مادر نمونه در جمهوری اسلامی مورد تقدیر قرار گرفت و بعنوان سرعشق برای دیگر زنان معرفی شد. و این نمایش کثیف بارها از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید. (اکثريت)

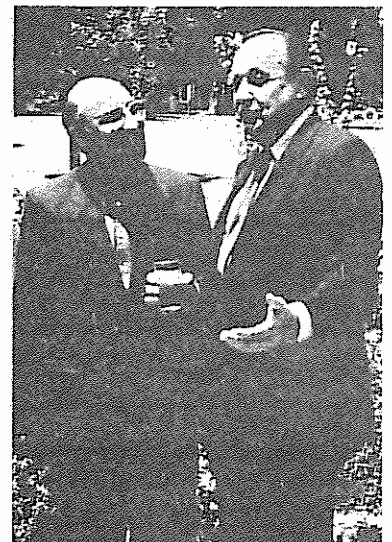
در حاشیه

ایده متوقی (!) سیاست درهای باز

خامنه‌ای در دیدار با سفرا و کارداران چ ۱۰۱: "امروزیکی از مهم‌ترین ستوالاتی که ما می‌شو داین است که سیاست جمهوری اسلامی چیست و ما در این زمینه باید ایده متری و قابل عرضه خود را که سیاست داخلی و خارجی ما را در ایجاد مختلف تشکیل می دهد به دنیسا توضیح دهیم".

و توضیح "ایده متری و قابل عرضه" از طرف خامنه‌ای در همین اظهارات چنین است: "سیاست گشایش درهای باز در زمینه سیاست خارجی خود درایک سیاست اصلی و اساسی برای تحرك دراز مدت جمهوری اسلامی در زمان حال می دانیم." (جمهوری اسلامی - ۹ مرداد)

گرفش ملیح



نمازی، وزیر اقتصاد و دارایی با کرنش ملیح در کنار گنشر، وزیر امور خارجه آلمان فدرال که در حال نوشیدن آبجو اسلامی است.

برنامه ریزی تا انقلاب مهدی

عباسعلی بهاری نماینده مجلس: "فقد رجماعه کشا و رزان بیداد می کند. دیگر از عهد اشت درمان و آموزش مگو و مهرس، بیا اینکه گفت

شنیدم از بزرگان سخن سنج

که سلطان را رعیت بهتر از گنج کران خرج ارشود آخر سر آید

وزین هر لحظه دخلي نو در آید باتوجه به اینکه دریک مثل قدیمی گفته شد اگر برنامه ریزی يك ساله دارید گندم بکارید، اگر برنامه ریزی دو ساله دارید درخت بکارید

اگر برنامه ریزی صد ساله دارید آنگاه انسان بکارید. ماکه انشاالله برنامه ریزی تا انقلاب مهدی داریم در برابر این دشمنان جدی باید به حقیقت کشاورزیکاریم. ولی در عمل شاهدیم که کشاورزان ما به این طرف آن طرف کوچه می کنند بابه شهر هاروی آورند.

(جمهوری اسلامی - ۱۱ مرداد)

از این طرف و از آن طرف

میزبانی عطا آبادی نماینده فلا و رجسان در مجلس:

"ازیک طرف الحمدالله همه معتقد به ولایت فقیه و پیرو خدا و امامند و از طرف دیگر هر عده با سنگ گرفتن پشت سر این شخصیت و آن گروه، همچنان به انگ زدن به یک دیگر و متزوی ساختن عناصر خوش سابقه و خد متگزار و لوث کردن شخصیت های متعهد و هتسک حیثیت افراد در سطح گسترده ادامه یافته است." (کیهان - ۱ مرداد)

مشکل حکومت: صاحبان سرمایه و زمین با فرهنگ خودشان برمی گردند

رشیدیان نماینده آبادان:

"ما اگر در مسایل مهم اقتصادی توجه عمیق می کردیم برخی از این مسایل پیش نمی آمد. مثلا طاعون تپه و زمین خوارها که صاحب سرمایه و زمین بودند و فرار کرده بودند و مرتبه برگشته اند و اینها وقتی برمی گردند با خنواده و فرهنگ خودشان برمی گردند و یکی از فرهنگهای متصل به اینها نیز بی حجابی است." (کیهان - ۶ مرداد)

درس اول

حجت الاسلام مقتدایی، عضو سخنگوی شورای عالی قضایی:

"عزیزانی که قصد ورود به دانشگاهها را دارند، باید دقت کنند جذب افراد ناصالح نشوند و توجه داشته باشند، اگر افراد منحرف و ناشایست در دانشگاه راه پیدا کرد، آنها را شناسایی و به مقامات صالحه، معرفی نمایند."

(جمهوری اسلامی - ۹ مرداد)

ستاد فرهنگی روح الله

"سه جوان که بعنوان ستاد فرهنگی اقدام به بازرسی غیرمجاز مغازه های ویدئو فروشی می کردند... دستگیر شدند. پاسداران از آنان کارت شناسایی و حکم خواستند و بازرسان حکمی تحت عنوان ستاد فرهنگی روح الله ارایه دادند." (کیهان ۷ مرداد)

تو خود حدیث مفصل...

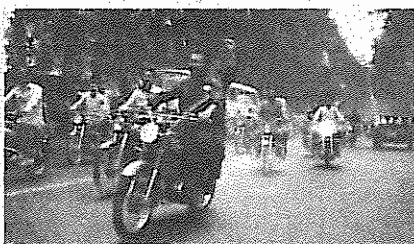
ناطق نوری وزیر کشور:

"اگر یک منافق با تیغ بر صورت یک دختر دوازده ساله کشید و مشت بر صورت زن حامله کو بید و شیشه مغازه ها را شکست، چه کسی جواب می دهد. پس باید همه چیز قانونی انجام شود. شما نباید ارزشهای اسلامی را از بین

برید... چه جریان سیاسی پشت این قضایا هست آیا شما انقلابی هستید؟ قطعاً حزب الله مشت به چشم بی حجاب نمی زند. تیغ نمی کشد. و نسبت، زنابه کسی نمی دهد. باید مواظب باشید که گول نخورید اگر قانون در این مملکت پیاده نشود، چه ضمانت دیگری دارید که گروهی دیگری راه نیفتد."

اطلاعات ۶ مرداد
سخنان ناطق نوری، تنها گوشه ایی است از جنایات بیشمار حزب الله پیاده و مو توریس وزارت کشور و نهادهای سرکوبگر و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

حزب الله مو توریزه



حزب الله مو توریزه در مصاف با زنان

"همه کارها که با اسلحه نمی شود"

ناطق نوری و زیر کشور: "بنده سخته تلویزیون انتقادی کم چراتلویزیون فیلمهای بی حجاب را نشان می دهد؟ فیلم ندارید، نداشته باشید. همان فیلمها را که می گذارید والله من ناراحت شدم (من دچار "اختلال حواس" شدم)، ندارید نگذارید... این مردم نمی خواهند. اینها سرگرمی نمی خواهند... دستگاههای تبلیغاتی ما باید کار کنند همه کارها که با اسلحه نمی شود." (اطلاعات ۶ مرداد)

مساله تعیین حدود

یکی از نماینده های مجلس "ازشورای محترم فقها و مراجع عالیه درخواست تاحسد و حجاب را تعیین کنند" (جمهوری اسلامی - ۴ مرداد)

بعد از آنکه، شورای محترم فقها و مراجع عالیه در "به هیچ قیمتی حاضر نشدند، برای مساله مالکیت حد و تعیین کنند، اکنون نماینده مجلس خواست است تا "آقایان" دست کم در مورد حجاب "تعیین حدود" می بفرمایند تا مردم نگویند "شورای محترم فقها و مراجع عالیه قدر"، "تعیین حدود" نمی دانند.

سخن یک به دام افتاده

خامنه ای رئیس جمهور:

"... تکبر خودخواهی و احساس منیت و غرور مانع اصلی اجرای اخلاق و عدالت در جامعه می باشد... دام تکبر خود برتری بینی بدترین دایمی است که بی اخلاقها، بی صفاها و بی وفاها و دروغویان به آن دچارند." (کیهان - ۳۰ تیر)

لطف داوران نسبت به ورزشکاران آمریکایی در لس آنجلس

بازیه‌های آمریکایی که بنام المپیک در لس آنجلس برگزار می‌گردد، عرصه‌ای است برای پنهان‌نمایش درآمدن ناسیو نالیسم متجاوز و هاری که دولت و نالدریگان با علم کردن آن، می‌کوشد اهداف سلطه جویانه ارتجاعی ترین مداخلات امپریالیستی را تحقق بخشد. در محافل آمریکایی از بازیهای لس آنجلس بعنوان "عملیات طغیان" یاد می‌کنند، و یراستی نیز، این اصطلاح نظامی شایسته این نمایش است. برای دولت آمریکا، رسانه‌های گروهی-طفیای خبری این کشور- و البته کمیته برگزاری بازیها، المپیک ۱۹۸۴ قیسل از هر چیز صحنه نمایش "برتری" آمریکاست. آنها برای دستیابی به "موفقیت" ها و "پیروزی" های هرچه بیشتر، از دست زدن به اعمال و شیوه‌هایی که در تاریخ جنبش المپیک سابقه ندارد، و از کارگیری هیچ روش غیر اخلاقی و ضد ورزشی، اماندارند.

ورزشکاران کشورهای که در این بازیها شرکت جسته‌اند، بارها و بارها این تجربه تلخ را آزموده‌اند که در لس آنجلس، از "شرایط مساوی برای همه" خبری نیست. در بسیاری از رشته‌ها، داوران بنحویکه به سود آمریکایی‌ها قضاوت می‌کنند، تماشاچیان بطور سازماندهی شده، به تضعیف روحیه ورزشکاران میهمان می‌پردازند. برنامه بازیها و ترتیب انجام آن طوری تنظیم گردیده که تیم آمریکا از آن سود هرچه بیشتری ببرد.

به عنوان نمونه، و ورزشکاران تیم ژیمناستیک مردان چین شاهد بدترین نوع بی‌عدالتی در دادن نمرات توسط داوران بودند. علیرغم آنکه ژیمناستیک‌های چینی عملیات استادانه‌تری به نمایش گذاشتند، مردان آمریکایی یکی پس از دیگری نمرات "۱۰" (بهترین نمره در ژیمناستیک) گرفته و برنده شدند. مشابه همین صحنه در ژیمناستیک زنان و در مورد تیم و رزیده رومانی تکرار گشت.

"گنیز" قهرمان شای آزاد ۱۰۰ متر از آمریکا، به گواهی ناظران، زودتر از لحظه مقرر زودتر از همه شناگران در آب شیرجه زد، و علیرغم آنکه حتی شناگر دیگر آمریکایی که در این مسابقه به مقام چهارم دست یافت، تاکید کرد که هموطنش مرتکب خطا شده است، مداخل طلبند "گنیز" آمریکایی و نه به نفع و م (شناگر از استرالیا) رسید. شناگر استرالیایی بنام "هیث" در این باره گفت: "آنها (آمریکایی‌ها) گمان می‌کنند در اینجا، در لس آنجلس، می‌توانند قوانین مخصوص به خود را حاکم کنند."

به درخواست کمیته برگزاری، هیات اجرایی کمیته بین المللی المپیک تصویب کرد که در رشته دو و چرخه سواری "اسپرینت"، بجای یک نماینده از هر کشور، دو ورزشکار شرکت کنند. در نتیجه، آمریکا در این رشته به دو مدال دست یافت. حال آنکه عین همین تقاضا قبلاً از سوی

فدراسیون بین المللی دو و چرخه سواری به کمیته بین المللی المپیک تسلیم شده و از سوی این کمیته مورد قبول قرار گرفته بود. در کشتی، دو داور رحلت قضاوت یکجانبه به سود کشتی گیران آمریکایی، از ادامه داوران محروم شدند. در مسابقه میان یک کشتی گیر آمریکایی و حریف کره‌ای وی، داوران، ورزشکار آمریکایی را با امتیاز ۱۰ بر ۹ برنده اعلام کردند، اما کمیسیون داوران "فیلا" فدراسیون بین المللی کشتی، پس از اعتراضات زیاد، مجبور شد نتیجه مسابقه را بر مبنای مشاهده نوار ویدئوی آن، به ۱۲ بر ۶ به سود کشتی گیر کره‌ای تغییر دهد. کاره‌جایی رسیده است که حتی مقامات ورزشی عالی‌رتبه کشورهای که جزئی از یک کشور متحدان آمریکا، به شعاری روند، زبان به گلایه و شکایت گشوده‌اند. "هائیش فالاک" سرپرست تیم آلمان فدرال در یک مصاحبه رادیویی گفت: "بازیهای المپیک محل مناسبی برای (نمایش) وطن پرستی جدید "ی که

نامه‌های

خوانندگان

☆ رفیق "پ" از ایتالیا: مقاله شمارانه همراه نامه حاوی بیان احساسات نسبت به نشریه، دریافت کردیم. ضمن تشکر، حتماً به همکاری جدی تر با نشریه، ادامه دهید.

☆ رفیق "بابک" از هندوستان: تلاشهای شمارا تقدیر می‌کنیم. برخی مطالبی که فرستاده بودید، در تهیه مقالات، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این زمینه انتظار همکاری گسترده‌تری را داریم. اخبار رسانی باید بسیار سریع‌تر دست ما برسد تا ارزش خبری خود را از دست ندهند و بتوانند مورد استفاده نشریه، قرار گیرند.

☆ رفیق "....." از اردو و تل: در حد حجم نشریه، در جهت انعکاس مبارزات طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و همچنین جنبشهای رهایی بخش بیش از پیش اقدام خواهد شد.

☆ رفیق "سهند" از اسپانیا: شعرهایی که برای ما فرستاده‌اید، نشان می‌دهند که شما تا آن حد به وزن تسلط یافته‌اید که بتوانید در مجموع آنرا رعایت کرده، با اصطلاح خارج نشد و شعرتان دچار سکت نگردد. اما در آن فرم‌های که برای بیان احساساتتان برگزیده‌اید ایدارکان تصویر (ایماژ)، وزن و قافیه، به جای این که در وحدت بایک دیگر اجاره برور به دریافت‌های شاعرانه تان بدهند، در مقابل هم ایستاده‌اند. تکیه اصلی خود را به نظر ما می‌بایست بر روی تصویر - هابگز اید و در درجه اول، اجازه دهید، اندیشه‌هایتان، به راحتی جریان داشته باشند. با توجه به چشم انداز خوبی که دارید لازم است با جدیت به مطالعه اشعار شاعران

پرزیدنت ریگان خواهان آن شده است، نیست. بطور کلی بازیهای المپیک با (اجرای) سیاست ملی، مناسبت ندارد. بازیهای المپیک متعلق به همه است. وی افزود: وضعی ایجاد شده است که در داوران رقابت‌ها، امتیازاتی که خود مخصوص برخورداری گردد، امتیازاتی که خود ورزشکاران خواهان آن نیستند. من می‌خواهم صریحاً بگویم این، یک سیاست دقیقاً حساب شده است. همچنین سامارائو، رئیس اسپانیایی کمیته بین المللی المپیک، طوسی یادداشت شدید. لحنی از نحوه گزارش دهی یکجانبه "ای. بی. سی" شبکه تلویزیونی آمریکایی‌ای که انحصار تهیه رپرتاژهای تلویزیونی از المپیک را خریداری کرده است، انتقاد کرد. بدیهی است که بر آوردن هدف ریگان در لس آنجلس، یعنی تصاحب هر چه بیشتر مدال برای آمریکا، با کمک برگزارکنندگان و داوران و ... چندان دشوار نیست. آنهایی که در سیاست از حربه زورگویی و انکاب نیروی نظامی و ... سود می‌جویند، طبعاً در ورزش نیز به و سالی نظیر آنچه ذکر آن رفت، متوسل می‌شوند.

برجسته ایران و جهان و کتابهایی در زمینه نقد شعرو وجوه مختلف این رشته از هنر، بپردازند. تماس خودتان را با نشریه حفظ کنید و ما را در جریان پیشرفت‌های خود بگذارید. موفق باشید.

☆ از رفقا "هادی"، "محبوب" و یک رفیق دیگر از ترکیه، به خاطر ارسال اشعارشان برای نشریه، تشکر می‌کنیم. مطالعه و کار بیشتر، به این رفقای مستعد که از احساسات شاعرانه روشنی برخوردارند، اجازه خواهد داد که سرپا به آن حد اوتوانایی ادبی برسند که قالب‌ها و تصویهای مناسب و جاذبه‌های را برای بیان اندیشه‌های خود برگزینند. منتظر شعرهای دیگر رفقا هستیم.

☆ رفیق "نینا": طرحهای ارسالی شما رسید. در این زمینه به همکاری خود با ما ادامه دهید.

☆☆ از کشورهای مختلف، مقداری طرح برای ما فرستاده شده است. انتظار همکاری بیشتری را از جانب رفقای هنرمندان داریم. رفقای طرح لازم است بویژه در زمینه شگنجه، اسارت و اعدام مبارزین، زنان، جنبش کارگری، دهقان و خلقها، جلوه‌های گوناگون خیانت جمهوری اسلامی به انقلاب و مناسبت‌های تاریخی مختلف، مستر طرح‌هایی را تهیه کرده و برای ما ارسال دارند. تلاش بیشتر رفقا باعث بالا رفتن کیفیت فرم نشریه خواهد شد. نشریه برای تکمیل آرشیه و عکس خود نیز، احتیاج به همکاری همه رفقا دارد. ☆☆ قابل توجه همه رفقا: نامه‌هایی را که برای ما می‌فرستید سعی کنید در کاغذهایی به قطع پلی کپی (A4) باشد، با خود دکارسیاه بنویسید و حاشیه سمت راست کاغذ را سفید بگذارید، تا فتوکپی گرفتن و بایگانی کردن آنها، آسانتر انجام پذیرد.

به مناسبت هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت انگلس

چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد



۱۸۴۶، انگلس شخصا به هدایت کار تجدید فکری - سازمانی محافل کارگری آلمان، پرداخت. در نتیجه این فعالیت، "اتحادیه کمونیستها" ایجاد شد. او در ۱۸۴۷ به خاطر نیاز مبرم به یک برنامه، در کنگره اتحادیه، طرح موجزی را به نام "اصول کمونیسم" تهیه دید که به شالوده مهم کار مشترک مارکس و انگلس، در نشرمانیفست، بدل گشت.

تا این مقطع اجزای اساسی مارکسیسم، هنوز در یک ارتباط محکم دیالکتیکی با یکدیگر و به صورت یک آموزش کامل و نظام یافته، بیان نشده بود. این کار اولین بار در مانیفست، انجام گرفت. انقلابات ۴۹-۱۸۴۸ بر روی آموزگاران پرولتاریا، که خود عملاً در نبرد علیه ارتجاع و برای پر دامنه ساختن نقش طبقه کارگر در جنبش شرکت می جستند، تاثیر بسزایی نهاد. انگلس با جمع بندی تراز نامه این انقلابات، بهیچیز انقلاب آلمان که در تمامی فراز و فرودهای آن، حضور داشت، درک طبقاتی از محتوای انقلابات استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی، نقش تاریخی - جهانی پرولتاریا، نقش توده های خلق در تاریخ و ضرورت برقراری اجماع پرولتاریا را در یک سلسله از نوشته هایی که در این مورد تنظیم نمود، کرد. که از آن جمله اند "جنگ دهقانی در آلمان" و "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان"، تدوین نمود. در دهه ۶۰ با تشکیل انترناسیونال کارگری، فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی مارکس و انگلس، در جلوگیری از نفوذ انواع انحرافات رنکارنگ بورژوازی و خرد بورژوازی در جنبش کارگری، شدت یافت. و متعاقب آن نظریات آن دو، در زمینه دیکتاتوری پرولتاریا، حزب انقلابی طبقه کارگر، مشی سیاسی حزب طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری، به جنبش کارگری عرضه گردید. در این مقاطع،

آثار فلسفی انگلس ضریات خرد کنندهای را بر پیکر نگرشهای ایدئالیستی و انحرافی، وارد ساخت. در میان این آثار "آنتی دورینگ" مقام شاهخی دارد. "آنتی دورینگ" نمونه ارزنده ایست از بسط خلاق و پی گیری تئوری مارکسیستی و تنظیم دیالکتیک به مثابه اسلوب معرفتی این بینش. انگلس در این اثر گرانقدر، توجه ویژه ای را به علوم طبیعی، مبدول داشت و اسلوب شناخت را به مثابه انتقال اشکال مختلف حرکت ماده، از شکلهای ساده تا سیستمهای پیچیده، عرضه نمود. انگلس نشان داد دیالکتیک، از آنجایی که علم فواین کللی حرکت و تکامل طبیعت، جامعه بشری، تفکر و هم پیوندی کلیه پدیده ها در جهان است، در حکم شالوده مند ولتویزیک کلیه علوم و همه زمینه های معرفت بشری است.

بعد از مرگ مارکس، انگلس با تلاش بیستگی ناپذیر، جلد های دوم و سوم کاپیتال

۱۴ مرداد (۱۵ اوت) برابر بود با هشتاد و نهمین سالگرد درگذشت فرد ریش انگلس، آموزگار کبیر پرولتاریا که همپای مارکس که عصاره خرد بشری و برافرازند هرچم رهایی پرولتاریای جهانی بود، تمام زندگی پر بار خویش را صرف پایه ریزی ایدئولوژی طبقه کارگر و شرکت فعال در رزم این طبقه نمود.

انگلس در ۲۸ نوامبر سال ۱۸۲۰ در خانواده ییک بازرگان و صاحب یک کارخانه بافندگی، چشم به جهان گشود. او از اوایل جوانی فعالیت سیاسی، فکری و اجتماعی خود را آغاز کرد و پندی نباید که با تاثیر بی که از تماس مستقیم خود با طبقه کارگر گرفت و بررسی عمیقی که بر روی میراث فرهنگ بشری و جریانهای فکری آن هنگام، به عمل آورد، پا در راهی نهاد که او را به جایگاه والای بنیانگذاری ایدئولوژی طبقه کارگر در کنسار مارکس کبیر، رهنمون گشت.

انگلس، اولین اثر مهم تحقیقی خود را در ۱۸۴۴ تألیف کرد. این اثر که نتیجه شرکت فعال او در مبارزه چارلیستها بود و به شیوه ای نقادانه، هوشمندانه بر آثار آرون و اقتصاددانان کلاسیک انگلیسی فلسفه کلاسیک آلمانی و روشنگری فرانسوی تکیه داشت و هم اکنون نیز دارای اعتبار ویژه است، "وضع طبقه کارگر انگلستان" نام دارد. تألیف این اثر، یکسانی سرشتی اندیشه های مارکس و انگلس را آشکار ساخت و در همان سال انتشار آن دیداری بین این دو اندیشمند کبیر، دست داد که طلیعه همکاری و همراهی شمر بخشی گشت که دستاورد آن تدوین مبانی سوسیالیسم علمی بود. آنها، بعد از آشناییشان با یکدیگر، بر آن شدند که راهشان را به طور کامل، از راه "هگلی های جوان" جدا سازند. "خانواده مقدس" اعلام این جدایی بود. مارکس و انگلس، در این اثر برای نخستین بار، نقش قاطع شیوه تولید در زندگی اجتماعی و مبارزه طبقاتی و نقشش تاریخی - جهانی پرولتاریا، به مثابه نیروی محرک تکامل تاریخی جوامع بشری را باز نمودند. آنها در ادامه فعالیت مشترک، بنا بر نیازهای علمی، تصمیم گرفتند اثر دیگری را به رشته تحریر در آورند که در آن برای نخستین بار خطوط کلی ماتریالیسم تاریخی و تزه های عمده ماتریالیسم دیالکتیک و کمونیسم علمی، ترسیم گشت. این اثر که برای آن خردمندانه حکم "سیاه مشق" را داشت، ایدئولوژی آلمانی نام گرفت. با پدید آمدن طلایه های انقلابات ۱۸۴۸ و حرکت های توانمند تر طبقه کارگر، تشکیل این طبقه در یک سازمان سیاسی، به وظیفه ای مبرم بدل گشت. از همین رومارکس و انگلس "به مجمع کمونیستها" پیوستند و در آنجا طرح مانیفست کمونیست را پی ریختند. در سال

را آماده انتشار ساخت. در همین سالها بود که اثر مهم "مسا، خانواده را نیز تألیف نمود. انگلس در سال ۱۸۹۴، به شدت سلامتی خود را از دست داد و در ماه اوت ۱۸۹۵ به بیماری سرطان گلو درگذشت. "چه مشعل فروزانی از خرد خاموش گشت و چه قلب بزرگی از تپیدن باز ایستاد" (لنین)

دزدی کادریهای متخصص

طبق گزارش روزنامه کوبای "گرانما" یکی از شیوه های بهره کشی سیستم نواستعماری معاصر دزدیدن کادریهای کشورهای در حال رشد میباشد. تنها در طول ۱۵ سال اخیر، کشورهای در حال رشد حدود چهارصد هزار نفر از متخصصین فارغ التحصیل خود را که هم اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه داری مشغول بکار میباشند از دست داد مانت. ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۰۰ هزار نفر متخصصین فارغ التحصیل را از کشورهای مختلف به کشور خود برده است. اگر برای آماده کردن هر یک از این متخصصین در ایالات متحده ۴۵ هزار دلار بوجه صرف شود، بنا بر این بودجه وارد شده به کشور حدود ۹ میلیارد دلار میباشد. این روزنامه خاطر نشان میسازد که در آمریکا ۳۷ درصد کسانی که به کسب جایزه نوبل نایل آمده اند و ۲۴ درصد اعضا آکادمی علوم افرادی هستند که از کشورهای دیگر به آمریکا انتقال داده شده اند.



رویدادهای جهان

حمایت‌های بین‌المللی از ابتکارات خاورمیانه‌ای شوروی

شاذلی کلیبی، دبیرکل اتحادیه عرب، طی بیانیه‌ای که در تونس منتشر ساخت، از ابتکار خاورمیانه‌ای جدید اتحاد شوروی پشتیبانی می‌کند و عمل آورد. وی اشاره نمود که پیشنهاد اتحاد شوروی با طرح صلح مصوبه کفرانس سران کشورهای عربی در تطابق است و مفاد آن، نابه حال بارها از سوی این کشورها مورد تأیید قرار گرفته است. دبیرکل اتحادیه عرب افزود این امر از سوی جامعه بین‌المللی بیش از پیش مورد پذیرش قرار می‌گیرد که حل بحران خاورمیانه با تشکیل یک دولت فلسطینی در مناطق تحت اشغال اسرائیل پیوند دارد. همچنین پرزد و کویارد بیرکل سازمان ملل متحد طی اظهاراتی در وین، طرح اتحاد شوروی برای خاورمیانه را مثبت ارزیابی کردند. جموری دمکراتیک یمن و سوریه نیز از این طرح پشتیبانی به عمل آوردند. سازمان آزاد بخش فلسطین بر ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای بررسی مسأله خاورمیانه که در پیشنهاد اتحاد شوروی در نظر گرفته شده، تأکید و رزید. خبرگزاری فلسطینی "فایس" یاسر عرفات رئیس‌کمیته اجرایی "ساف" به رهبری شوروی را منتشر ساخت که در آن، اشاره شده چنین کنفرانسی تنها راه حل بحران خاورمیانه و مسأله فلسطین است.

از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل با طرح ماده ۶ اتحاد شوروی، و از جمله، تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت همه طرفهای ذینفع، مخالفت کرده‌اند. دولت اسرائیل که گوی می‌خواست مخالفت علی‌خود این طرح و با هر گونه راه حل صلح آمیز را به نمایش بگذارد، دست به عملیات نظامی جدید در لبنان زد.

تظاهرات در اسرائیل

روز شنبه ۴ اوت، دهها هزار تن از مردم یهودی و عرب در شهر "ام‌الفهم" اسرائیل گرد آمدند تا علیه فاشیسم و نژاد پرستی اعتراض کنند. این تظاهرات، پاسخی بود به انتخاب "هه ایر کاها" گانگستر و فاشیست بعنوان عضو پارلمان اسرائیل. همه ساکنان شهر "ام‌الفهم" و هزاران تن از شهروندان یهودی، مقیم تل‌آویو، بیت المقدس، حیفا و سایر نقاط، در تظاهرات شرکت کردند. ۱۰۰ نماینده از احزاب مختلف که در پارلمان حضور دارند، شهرداران، نویسندگان و هنرمندان معروف در این مراسم سخنرانی نمودند. رفیق هه ایر هلز، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل، طی نطق خود، میتینگ "ام‌الفهم" را واقعه‌ای تاریخی خواند و گفت افرادی

نظیر آریل شارون وزیر جنگ پیشین و از رهبران "لیکود" و یائیزال اینان در نژاد پرستی و تعالیات فاشیستی دست‌کمی از "کاها" ندارند.

ادامه عادی سازی اوضاع لبنان

هیئت دولت لبنان مسایل مربوط به تثبیت اوضاع کشور را بررسی قرار داد. موضوع مباحثات، چگونگی اجرای برنامه تأمین امنیت بیروت و مناطق کوهستانی "شوف" در شرق بیروت است. به گزارش خبرگزاریها، اوضاع پایتخت لبنان همچنان آرام است و پاکسازی محله‌هایی که در نتیجه گلوله باران پایتخت از سوی ناوهای جنگی آمریکا آسیب زیادی دید، ادامه دارد. فرودگاه بین‌المللی بیروت بطور عادی کار می‌کند. موسسات و سازمانهای مختلف دوباره به کار پرداخته‌اند و فروشنده‌ها باز است. در مدارس امتحانات نهایی جریان دارد.

رهبر یمن دموکراتیک، ایجاد تشنج در دریای سرخ را محکوم کرد

علی ناصر محمد رهبر یمن دمکراتیک، عملیات خصمانه در دریای سرخ را که اخیراً در آن، چند کشتی با مین برخورد کرده و آسیب دیدند، محکوم کرده و گفت جمهوری دمکراتیک خلق یمن، با هر تلاشی برای ایجاد میوانسج در راه کشتی رانی آزاد مقابله خواهد نمود. علی ناصر محمد همچنین نسبت به استفاده از این حوادث بعنوان بهانه جهت استوار ماندن اعراب لیستها در امور منطقه هشدار داد. رهبر یمن، دمکراتیک افزود: "ما با عملیات تجار و کثرت که هدف آنها متزلزل ساختن پایه‌های حاکمیت ملی جمهوری دمکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهاست، با قاطعیت مقابله خواهیم کرد."

ضیاء الحق، واسطه "سیا" و اشرااف افغانی

هفته نامه عصر جدید می‌نویسد: ضیاء الحق رئیس‌جمهوری پاکستان، واسطه و بیبه طی مصافحه به ای بایک روزنامه هندی گفت: "این ادعا که "سیا" در پاکستان مجاهدین را مسلح می‌کند، صحت ندارد. اگر صحت داشته باشد، من چیزی در باره آن نمی‌دانم. و اگر من از آن خبر نداشته باشم، سلاح‌هایی تواند از طریق قلع و قمع پاکستان به مجاهدین افغانی برسد." گویی آقای رئیس‌جمهور، منطق مخصوص به خود دارد. همین اخیراً در مجله آمریکایی تایم نوشت "سیا" در سال ۷۵ میلیون دلار اسلحه به اشرااف می‌داد. این کار از طرق بسیار گوناگون و شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد. از جمله از طریق پاکستان به خاطر دارم که سادات رئیس‌جمهوری مقتول مصر اعتراف کرده‌اند که آنها هم اسلحه از پاکستان به پاکستان فرود می‌آیند. شو لئو زیر خارجه آمریکا در دیدار باستانی سال گذشته خود از "اردوگاه آوارگان" مکرراً عبارت "ما به اتفاق شما (چنین و چنان) خواهیم کرد" را به زبان راند. ایمن،

تنها یک سخن بی‌محتوی نبود. هم اکنون در پاکستان نزدیک به ۱۰۰ اردوگاه وجود دارد که در آن، مسایله آموزش و تجهیز ضد انقلابیون مشغول است.

البته اسلام آباد هم بیکار ننشسته است. در جمهوری دمکراتیک افغانستان مرتباً جاسوسان پاکستانی به داعی افتند. سربازان ارتش منظم پاکستان که به هیئت "مبارزان مسلمان افغانی" درآمد هاند به قلع و قمع مسایله شمالی این کشور وارد می‌شوند. اما ربابان آمریکایی که به اسلام آباد که نظامی - اقتصادی به ارزش ۳/۲ میلیارد دلار داده‌اند، هنوز این راهم کافی نمی‌دانند. در ماه امسال، مهمان عالی‌رتبه دیگری از واشنگتن جورج بوش معاون رئیس‌جمهور، موکداً رهبری پاکستان خواهد بود. به ضد انقلاب افغانستان را افزایش دهد. کثرت از یک ماه بعد، روزنامه نگاری بنام جک اندرسون در واشنگتن پست نوشت رئیس‌جمهور پاکستان مایل است به "آوارگان" سلاح آمریکایی بدهد، یا به عبارت دیگر نقشی واسطه را ایفا کند. اما این به اصطلاح "عبرت‌ناز"، چندان هم تازه نیست.

"بیانیه جنبش میهنی مورس بیشاپ"

در گرانادا، کشور کوچک واقع در دریای کارائیب که سال گذشته مورد هجوم کمونیست‌ها اشغالگران آمریکایی قرار گرفت، میهن پرستان و آزادخواهان مبارزه خود را برای استیلا و استقلال کشور بیرون راندن متجاوز، و سعت می‌بخشد. "جنبش میهنی مورس بیشاپ" طی بیانیه‌ای که در سنت جرجز پایتخت گرانادا انتشار یافت خواهان خروج فوری همه واحدهای آمریکایی و نشان دادن آنها از گرانادا و همچنین ادامه سیاست اتحادی - اقتصادی مرفی دولت مورس بیشاپ گردید. به گزارش خبرگزاری "پرسا لاتی"، این جنبش قصد دارد در انتخابات ماه اکتبر بعنوان تنها نماینده واقعی منافع خلق گرانادا شرکت کرده و خواسته‌های مذکور را به پلاتفرم انتخاباتی خود تبدیل کند. "جنبش میهنی مورس بیشاپ" در بیانیه خود تأکید می‌کند که برای ادامه راه نخست و زیر قید گرانادا، مردمان کشور باید سرنوشت خود را به دست خود تعیین کنند. جنبش میهنی، در ۲۷ ماه مه سال جاری توسط همزمان و دوستان نزدیک مورس بیشاپ و به مناسبت چهلین زادروز او تأسیس گردید.

رئیس جمهوری

سابق آرژانتین، بازداشت شد

بدنبال تظاهرات وسیع مادران "ناپدید شدگان" آرژانتینی و سایر مردم این کشور، خورخه هیدالا دیکتاتور نظامی اسبق آرژانتین بازداشت شد. مقامات قضایی، که به درخواست دولت راول آلفونسین رئیس‌جمهور، تحقیقات در باره سرنوشت هزاران "ناپدید شده" در دوران حکومت نظامیان را آغاز کرده‌اند، به مدارک زیادی دال بر مقصر بودن هیدالا دست یافتند.



فضولی موقوف!

چندی قبل آقای غرضی وزیر نفت در دانشگاه اقتصاد تهران در یک جلسه بحث آزاد شرکت می کند. در این جلسه اساتید و کارشناسان اقتصاد حضور داشتند. در پایان سخنرانی غرضی، سئوالات حضار طرح می شود. یکی از حاضرین که کارشناس سازمان برنامه و بودجه بود، می پرسد علت تفاوت در رقم درآمد های وزارت نفت و مبلغ پرداختی این وزارتخانه به دولت چیست؟ او این تفاوت را یک میلیارد و شصت و پنج میلیون تومان می دانست و می خواست بداند که این پول به کجارتقه است. غرضی که از پاسخ دهی عاجز بود باتو ضیحات کوتاه و نامرئوی کوشید. بحث را در زیرگیرد. کارشناس مزبور ضمن نا کافی شمردن این توضیحات سئوال خود را تکرار کرد. غرضی خشمگین شده و در پشت تریبون فریاد کشید که "من حاضر نیستم اینجا با شما بحث کنم. باید بلند شوی و با هم به دانشگاه برویم... تو می خواهی علیه جمهوری اسلامی تهمت بزنی. باید دستگیر شوی و سزای کارت را ببینی." در پی این توضیح مستدل غرضی، جلسه بهم می ریزد و اعضا آنجمن اسلامی کارشناس مزبور را کشتان کشتان از جلسه خارج کرده و بلا خود می برند.

اعلام آمادگی یا شاخ و شانه کشیدن برای مردم

هم زمان با اوج گیری تشنج در خلیج فارس، سپاه پاسداران در روز چهارم خرداد دست به مانور راهپیمایی سراسری زد. این مانور که ظاهراً به بهانه نشان دادن آمادگی برای مقابله با امپریالیسم انجام یافت در حقیقت به منظور ارعاب مردم طراح شده بود. رژیم می خواست با کشاندن همه نیرو های انتظامی و امنیتی به خیابانها، قدرت خویش را نشان دهد و وانمود کند که گویا همواره ارگانهای سرکوب بر همه چیز و همه جاسلط هستند. به این منظور از چند روز قبل شهر عملاً در وضعیت آشکار حکومت نظامی قرار گرفت. تعداد انبوهی از اتومبیل های گشت ارگانهای مختلف همراه با هزاران اکیپ مو تو رسو از خیابانهای تهران ر ا قرق کردند. مو تو رهای دارای دو یا سه سرنشین از یک چهارراه به سوی چهارراه بعدی می رانند و همزمان اکیپ دیگری از مو تو رسو اران همین مسیر را بالعکس طی می کنند. هزار چند گاه های سرنشینان

موتورسیکلت ها تعویض می شدند. سرنشینان تازه ای باریخت و قیافه دیگری این وظیفه را بر عهده می گرفتند. عابری که مسیر میان دو چهارراه مجاور را طی می کرد حتماً در طول این مسیر کوتاه، سه چهار بار با مو تو رهای گشت برخورد می کرد. مو تو رسو اران که تماماً مسلح بودند، با سرو صدا و پیراژی می کوشیدند حضور خود را نمایش دهند. با هر بهانه ای عابری را متوقف و بازرسی می کردند و عده زیادی را تحت عنوان مشکوک توقیف کردند. هیچگاه مردم تهران این همه مو تو رسو ارد رخیابانها ندیده بودند. این در حالی است که بخاطر ایذای ماموران، مردم به آسانی می توانند از موتورسیکلت برای رفت و آمد استفاده کنند. همه مو تو رها باید شماره شده و مو تو رسو اران موظفند گواهینامه به همراه داشته باشند. مو تو رهای سنگین به محض دیده شدن ضبط می شوند. حتی تردد با مو تو رهای گازی هم با هزار اشکال صورت می گیرد.

شلتاق مو تو رسو اران و اتومبیل های گشت در تهران این بارینج روزه طول انجامید و سپس ابعاد معمولی به خود گرفت. ابعاد که خود بسیار گسترده است. این وضعیت در تهران با استفاده از هر فرصتی نظیر انتخابات و تکرار می شود.

دانشگاه خاموش نمی شود

با وجود اینکه رژیم جمهوری اسلامی با اخراج و دستگیری و سیج دانشجویان و استادان، و با سیستم گزینش بخایت ارتجاعی کوشیده است تا دانشگاههای کشور را در انحصار و کنترل خود دنگ داشته باشد اما دانشجویان و همچنین استادان از هر فرصتی برای بیان اعتراض استفاده می کنند. علیرغم سبانه ترین شرایط سرکوب در دانشگاههای کشور حرکات اعتراضی خاموش نشده است. ماییش از این نمونه هایی از آن راد همین صفحه درج کرده بودیم. اینک به نمونه های دیگری اشاره می کنیم.

— اخراج يك دانشجو از کلاس در اراک
باعث اعتراض جمعی دانشجویان می شود.
دانشجویان با تجمع در اطاق رئیس دانشگاه خود استار لغو تصمیم مزبور و اجتناب از اتخاذ تصمیمات مشابه می شوند.
دانشجویان دانشگاه آزاد با شرکت در یک حرکت دسته جمعی صنفی محو استار میشوند تا به آنان نیز مانند دانشجویان دیگر دانشگاههای کشور مرد ر ک تحصیل داده شود.

— در دانشگاه فنی دانشگاه تهران
عده ای از اساتید دست به اعتصاب زد و از رفتن به کلاسهای درس خود داری می کنند. آنها به پیسادی گرو هی از دانشجویان جدید، که برگزیده ارگانها و نهاد های حکومتی بودند،

اعتراض داشتند.

— دانشجویان مرکز تربیت معلم نسیمیه به مدت يك روز در محل دانشگاه متحصن می شوند. برای این دانشجویان که در رشته ورزش تحصیل می کنند، کلاسهای عربی، تعلیمات دینی و... گذاشته بودند و در عوض از ساعات آموزشهای علمی کم کردند. دانشجویان به این تصمیم معترض بودند.

— در مرکز آموزش پرستاری دختران (وابسته به وزارت بهداشت) برخی از دانشجویان به اجباری شدن مقنحه اعتراض می کنند که موفق نمی شوند.

— در یکی از دانشگاه های دانشگاه تهران محل سلف سرویس را با نصب پرده به دو قسمت تقسیم می کنند. يك قسمت را که بسیار هم کوچک بود به دانشجویان دختر اختصاص می دهند. دانشجویان دختر به این اقدام و نا کافی نبودن جای اعتراض می کنند که مسغو لین و انجمن اسلامی به آن توجهی نمی کنند.

مسکن مشکل دیگر دانشجویان

در سال تحصیلی گذشته دانشجویان شهرستانی برای تهیه مسکن با مشکلات لاینحلی روبرو بودند. بسیاری از آنها با لاخره نتوانستند اطاقی را اجاره نمایند و به ناچار تا پایان سال در مسافرخانه ها بسر بردند. خوابگاه های دانشجویی که بیش از ظرفیت خود دانشجویان داشت، قادر به پذیرش هزاران دانشجوی جدید نبود. در همه اطاقهای خوابگاهها تاد و برابر تخت گذاشتند. سلف سرویس، سالن مطالعه و درموردی حتی در دفتر خوابگاه ها هم تخت زدند اما باز هم تعداد انبوهی دانشجویان بقیه در صفحه ۵

AKSARIYAT

NO.19

FRIDAY.10 AUGUST 84

Address آدرس
POSTFACH 23007 آلمان فدرال
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 6YU
ENGLAND

P.O. BOX 66156 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90066
USA

C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا